



## باتنیس خوشبخت‌ترین آدم دنیا هستیم

گفت‌وگو با منصور بهرامی که در ۶۶ سالگی همچنان ستاره تنیس نمایشی است

۱۲



## شعر زنان ما می‌تواند زبان زنان افغان باشد

گفت‌وگو با لیللا کر دیچه، شاعری که عاشقانه می‌سراید و دغدغه‌های عاشقانه دارد

۱۳



## تالابی با جزر و مد صورتی

آخرین روزهای سال و فصل زمستان سراغ دریاچه مفاوت و خاص لیبیا در جنوبی‌ترین استان ایران رفتیم

۱۶

# همیشه یک حرف حق است



## هنوز ترس مقدسی از روی صحنه رفتن دارم

پای صحبت‌های عنایت‌الله بخشی، پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون



النازعیاسیان

همین که بدانیم بازیگری، بیش از دهه در تئاتر و بازیگری این دیار سابقه درخشان داشته، خودش برای انجام یک مصاحبه خوب ترغیب‌کننده است؛ چه برسد به اینکه این شخص، کسی باشد مثل عنایت‌الله بخشی دوست‌داشتنی؛ مردی با انبانی از نقش‌های ماندگار در سینما و تلویزیون و البته تئاتر. همین که بدانیم او در بیش از ۱۱۷۰ اثر نمایشی حضور داشته و با بزرگانی چون ابراهیم گلستان، بهرام بیضایی، امیر نادری، داریوش مهرجویی، داوود میرباقری، علی حاتمی و... همکاری کرده است، باعث می‌شود تا به احترامش کلاه از سر برداریم و تمام‌قد با بستیم. خودش که معتقد است مردم، نقش پهلوان قلیچ او در سریال «پهلوانان نمی‌میرند» را به شدت دوست داشته‌اند و البته انتخاب‌های خودش برای بهترین کارهایی که انجام داده، چیز دیگری است. پای صحبت‌های تاریخ شفاهی بازیگری و تئاتر ایران نشستیم تا از این روزهای پرآبمان بگویید؛ بازیگری که نقش آفرینی‌های او را در آثار شاخصی چون «ستار خان»، «تنگنا»، «تنگسیر»، «گوزن‌ها»، «سنا تور»، «شکار»، «مسافران»، «روز واقعه»، «سگ کشتی»، «سربداران»، «امام علی (ع)» و پهلوانان نمی‌میرند را دیده‌ایم و به یاد سپرده‌ایم.

در خبرها شنیده‌ایم که احتمال حضور شما در سریال «سلطان فارسی» مطرح شده است. خواستیم از زبان خودتان درباره این خبر بشنویم...

آقای میرباقری هنوز تماسی با بنده برای همکاری در مجموعه سلمان نداشته‌اند. آرزو مندم نتیجه زحمات ایشان اثر ارزشمندی باشد همچون آثار گذشته‌شان که دیده‌ام و از آنها لذت بردم.

پیش‌تر گفته بودید که بعد از چندین دهه تجربه کاری و ثبت نقش‌های ماندگار، ترجیح می‌دهید که قرار است ایفا کنید، دقت لازم را به عمل می‌آورند و این بسیار خوب است.

تکراری‌ترین سؤال از فعالان مشترک سینما و تئاتر و تلویزیون، عشق شما کدام یک بود و هست؟ دلتان با کدام نقش مانده است و دوستش دارید؟

خب پس اجازه بدهید من هم تکراری‌ترین جواب دنیا را بدهم. تئاتر و سینما هر دو بسیار ارزشمندند. بسیاری از بازیگران موفق در سراسر دنیا از تئاتر برخاسته‌اند و البته به سینما هم گرایش داشته‌اند و چیز عجیبی نبوده است و نیست. این دو بازیگری مکمل یکدیگرند.

از بین این همه نقشی که ایفا کرده‌اید، کدام یک بیشتر به دل‌تان نشست و دوستش داشتید و با آن خاطر بازی می‌کنید؟

باید عرض کنم که در دیدار با مردم داشته‌ام و دارم، حس می‌کنم نقش پهلوان قلیچ در مجموعه پهلوانان نمی‌میرند در میان مردم بیشتر جا باز کرد و حتی تا سال‌ها بسیاری مرا در کوچه و خیابان با این اسم صدا می‌زدند که برایم خیلی جالب بود. نقش آمیزا در سریال «سایه همسایه» هم همینطور است.

یا خاکستری بوده‌اند و صرفاً نمی‌توان گفت که نقش ضدقهرمان یا منفی بازی کرده‌ام. شاید بهتر باشد بگویم که بیشتر نقش‌های من خاکستری بوده‌اند و بعد از آن نقش‌هایی منفی و مثبت. شما سابقه زیادی در بازیگری دارید. پس بهترین فردی هستید که می‌توانید به ما توضیح بدهید که بازیگری امروز و گذشته چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

متأسفانه شهرت محوری و در جست‌وجوی شهرت رفتن، بر بازیگری امروز ما سایه انداخته است؛ خاصه در میان جوان‌ترهای ما. من یاد نمی‌روم که در این نوع بازی، برای نمایشی که باید نقش درویشی در آن را بازی می‌کردم، ۹ ماه وقت گذاشتم و هر کجایی که می‌شد درویشی را پیدا کرد، رفتم تا شخصیت‌پردازی این افراد را بتوانم کامل اجرا کنم. تازه من در حال اجرای یک نمایش تئاتری بودم و کارم سینمایی نبود. بیشتر بازیگران هم‌دوره من نیز چنین تمرکز و جدیتی را نداشتند. اما الان چنین جدیت و تمرکز را خیلی کم می‌بینیم. البته قصد ندارم خدای ناکرده همه را یک‌کاسه کنم و بگویم همه بازیگران امروز ما چنین شده‌اند. قطعاً بخشی از بازیگران نسل امروز ما، همان جدیت و تمرکز قدمای این حوزه را هم داشته و دارند.

پس نسبت به بازیگری در دوره‌های گذشته و دلخوری‌هایی دارید؟

در بازی‌هایی که در دیدار با مردم داشته‌ام و دارم، حس می‌کنم نقش پهلوان قلیچ در مجموعه پهلوانان نمی‌میرند در میان مردم بیشتر جایز کرد و حتی تا سال‌ها بسیاری مرا در کوچه و خیابان با این اسم صدا می‌زدند که برایم خیلی جالب بود

شما را شاید عده‌ای بیشتر در نقش‌های منفی به یاد بیاورند. نقش‌های منفی که داشته‌اید، بیشتر به واسطه پیشنهاد بوده یا منطق خاصی برای آنها داشته‌اید؟

اگر بخواهم پاسخ کاملی به سؤال شما داده باشم، باید عرض کنم که هر دو. هم پیشنهاد بوده و هم تمایل من برای قوام‌بخشیدن به اینگونه از نقش‌ها. البته اینکه تا چه اندازه موفق بوده‌ام سؤال است که مردم باید به آن پاسخ دهند. من نقش‌های بسیار متفاوتی در سراسر سالیان گذشته بر عهده داشته‌ام که بسیاری از آنها مثبت

ببینید! شما هر قدر هم که سابقه زیادی در کار بازیگری تئاتر و حتی سینما داشته باشید، اگر این کار برای‌تان مهم و جدی باشد، اگر روی صحنه یا جلوی دوربین بخواهید بروید، ترس ناشناخته‌ای خواهید داشت. اینطور نیست که این ترس فرو بریزد، چون می‌خواهید همه توان و ظرفیت‌تان را ارائه کنید و اینکه شاید کم‌کاری کنید و بخشی از توان و ظرفیت‌تان ارائه نشود، در وجود شما ترسی خواهد انداخت. این ترس مقدس نباید از بین برود؛ چه در بازیگران قدیمی و چه در بازیگران امروزی و جدید. جدا از بحث‌های مادی که به عرصه بازیگری می‌توانیم داشته باشیم، یک بازیگر جوان باید به یاد داشته باشد که تمام زندگی بازیگران، بازی کردن است و اگر زمانی پیش بیاید که او بازی نکند، به واقع بخشی از هویتش را از دست خواهد داد. اگر بازیگری قرار است برای یک آنتور چنین هویی بسازد، پس سلیقه است که حتماً تگایه‌های جدی و متمرکز به آن داشته باشد.

هم اکنون مشغول چه کاری هستید؟ پیشنهاد جدیدی دارید؟

پیشنهادهایی داشته‌ام که به سبب شرایط خاصی که هم‌اکنون به‌دلیل بیماری کرونا پیش آمده است موفق به قبول آنها نشده‌ام. بالاخره شرایط به‌گونه‌ای است که خودتان در جریان هستید و باید از نظر پزشکی و بهداشتی احتیاط بیشتری کرد. اما همانطور که همیشه گفته‌ام بازیگری برای من تمام نشدنی است و هیچ‌گاه برای من واقعاً تلخ است. مقدمه هم بازی کردن در نقش‌های مختلف کهنه نمی‌شود. باور کنید درست مثل همان روزهای نخست بازیگری و با همان شور و شوق و البته استرس و هیجان مشتاق‌بازی هستم اما نه هر نقشی. البته امیدوارم با فروکش کردن موج‌های ویروس کرونا و برگشتن زندگی به حالت عادی بتوانم نقش‌هایی که دوست دارم را بازی کنم.

با خانه‌نشینی‌های اجباری ایام کرونا چه می‌کنید؟ بیشتر اوقات مشغول چه کاری هستید؟

البته کنار آمدن با این شرایط آسان نیست، مخصوصاً از جهت فاصله‌هایی که ایجاد کرده

باید فکری بکنند.

حالا که اوقات فراغت زیادی دارید، به فکر نوشتن کتاب خاطرات خود نیستید؟

و معاشرت و نشست و برخاست با دوستان و همکاران و اقوام و حتی اعضای خانواده و فامیل را مختل کرده است. البته و خواه ناخواه اینگونه شرایط رهاوردهای مخصوص به‌خود را می‌بازد. در این ایام اغلب اوقات به مطالعه و نقاشی می‌پردازم. امیدوارم از این شرایط به سرعت عبور کرده و زندگی اجتماعی گذشته را بدست آوریم.

بیشتر چه می‌خوانید و چه می‌بینید؟

بیشتر کتاب‌های شعر و تاریخی را می‌خوانم و از این فرصت استفاده می‌کنم تا بیشتر و عمیق‌تر بخوانم. در حوزه فیلم هم سعی می‌کنم فیلم‌های شاخص و کلاسیک و... را ببینم و دوباره و چندباره تماشا کنم.

حالا که یحس از کرونا و خانه‌نشینی مطرح شده، اجازه بدهید مسأله‌ای را که غالباً از سینماگران و هنرمندان می‌پرسیم اینجا مطرح کنیم. کرونا چه اثری روی بازیگری ایران گذاشته است و چه باید کرد؟

طبیعی است که کار کردن در چنین شرایطی سخت‌تر شده و حتی در ابتدای شیوع کرونا، هم‌انطور که در مصاحبه قبلی هم خدمت شما عرض کردم، بازیگران زیادی ماه‌ها بی‌کار بودند و کاری نداشتند. بازیگر، باید بازی کند و اینکه به‌دلیل شرایط شیوع کرونا و رعایت پروتکل‌ها امکان چنین امری را نداشته باشد، واقعاً تلخ است. مقدمه هم بازی کردن در نقش‌های این حوزه هم ورود کنند. بالاخره هنر و بازیگری هم شغلی است مثل حرفه‌های دیگر و آسیب زیادی دیده. اگر به حرفه‌های دیگران رسیدگی شده، باید به این حرفه هم رسیدگی شود. حالا ایده‌هایی مثل اکران‌های اینترنتی هم مطرح می‌شود که امیدوارم موفق بوده باشد تا بخشی از کم‌کار شدن‌های ناشی از کرونا جبران شود.

منتهی نکته‌ای که در اینجا مطرح می‌شود، احترام به حقوق مادی و معنوی هنرمندان و تولیدگران هنری است. نباید طوری باشد که مثلاً تولیدات آنها به‌صورت رایگان دست‌به‌دست بچرخد و خودشان بی‌مصیبت بمانند و قادر به ادامه این مسیر نباشند. در این مورد مسئولان باید فکری بکنند.

دلیل خاصی ندارد. شاید روزی این خاطرات را به رشته تحریر در آورم. بالاخره این جور چیزها، نیازمند ایجاد دلیل و منطق درونی خاصی در خود هنرمندان است و شاید این منطق درونی، زمانی در من شکل گرفت و انجامش دادم ولی الان که به آن فکر نکرده‌ام.



## پهلوان قلیچ

از ماندگارترین نقش‌هایی که عنایت‌الله بخشی بازی کرده است، نقش پهلوان قلیچ بود؛ در سریال تماشایی «پهلوانان نمی‌میرند». این سریال حسن فتحي، در دوره خودش بسیار دیده شد و شور و جديدي در ساخت مجموعه‌های پهلوانی بسراه انداخت. مردم تا مدت‌ها عنایت‌الله بخشی را با همین نقش صدا می‌کردند و به یاد می‌آوردند.



## آمیروزا

سریال «سایه همسایه» یکی از نوستالژیک‌ترین سریال‌های ایرانی است که محمود استادمحمد آن را نوشت و اسماعیل خلیج نیز آن را کارگردانی کرد؛ مهم‌ترین نقش آن را هم بخشی بازی کرده بود؛ با عنوان آمیروزا. این سریال دهه ۶۰، در محله‌ای قدیمی اتفاق می‌افتاد و به روزمره‌های اهالی می‌پرداخت.



## ابن‌دهب

عنایت‌الله بخشی در مطرح‌ترین و مشهورترین سریال تاریخی ایران، یعنی سریال «امام علی (ع)» نیز ایفای نقش کرد. او درباره نقش ابن‌دهب که سر کرده خاخره جالبی دارد از دیالوگی که باید علیه مولا علی (ع) می‌گفت، ولی نمی‌توانست؛ «ما به روی علی شمشیر خواهیم کشید» را بگوید.



## مأمور امنیتی

این بازیگر در یکی از نقش‌های خاکستری یا شاید بتوان گفت منفی خود، در فیلم «شکار» از مجید جوانمرد ایفای نقش کرده است؛ جایی که نقش یک مأمور امنیتی آرام و خونسرد را بازی می‌کرد. این فیلم در دهه ۶۰ ساخته شد و جالب اینکه تدوینگر آن نیز ساموئل خاچیکیان معروف بود.



## سنا تور

عنایت‌الله بخشی در پر فروش‌ترین فیلم سال ۱۳۶۲ نیز نقشی مهم و اثرگذار در کنار بیژن امکانیان و... بر عهده داشت؛ در فیلم «سنا تور» ساخته مهدی صباغ‌زاده و نویسندگی فریدون جیرانسی. او در این اثر به‌شدت دیده شده، به واسطه نوع چهره و بازی خود، برای نقشی منفی در این فیلم انتخاب شد.



## یادداشت

## کابوسی به نام امتحان

در طول سال‌های فعالیتیم در حوزه آشنیزی افراد زیادی (تحصیل کرده و غیره) را مشاهده کرده‌ام که پس از گذراندن دوره‌های آشنیزی در کار عملی پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای پیدا می‌کنند تا جایی که توانسته‌اند به راحتی در کار سفارش غذا، شیرینی، حلوا، مریا و... موفق شوند اما نام امتحان همچون کابوسی آنها را آزار می‌دهد. اگر چه ریشه این مسئله را باید در دوران کودکی و دبستان جست‌وجو کرد اما نکته جالب ماجرا آنجاست که ترس از امتحان اختصاص به مدرسه و دانشگاه ندارد و حتی در مورد حرفه‌هایی که شخص علاقه زیادی به آنها دارد نیز مشاهده می‌شود. ذهنیتی که طی این سال‌ها نسبت به امتحان شکل گرفته موجب شده فرد در بزرگسالی و سنین بالا، حتی افرادی که تحصیلات عالی دارند، زمانی که از امتحان اسم برده می‌شود دچار استرس و وحشت شوند. اگر بخواهیم این موضوع را در رشته آشنیزی بررسی کنیم باید بگوییم آزمون‌هایی که در این رشته در آبخش تئوری و عملی از هنر جوان گرفته می‌شود نیازمند اصلاحات اساسی است. هم‌اکنون به آزمون‌هایی که توسط مراکز آشنیزی چون سازمان فنی و حرفه‌ای برگزار می‌شود ایرادهای زیادی وارد است. امتحان آشنیزی امتحانی است که به‌نظر من به هیچ عنوان نیازی به آزمون‌کنی ندارد؛ چرا که آشنیزی با قنای باید در عمل مهارت خود را نشان دهد، نه با امتحان‌کنی. همانطور که سالیان سال در آشنیزخانه‌ها دیده‌ایم که آشنیز حتی تحصیلات آکادمیک هم نداشته‌اند اما با مهارت کامل آشنیزی می‌کنند. البته این امر به‌معنای این نیست که آشنیزی با سواد ارتباطی ندارد بلکه به‌عنوان یک سرآشنیز بین‌المللی با اینکه آشنیزها با سواد باشند کاملاً موافقم اما اگر امتحان اجباری آشنیزی گرفته می‌شود نباید این امتحان در مورد کباب یا مریوط به پخت خورش، پلو یا شیرینی‌های مختلف باشد.

امتحان تئوری آشنیزی باید در مورد بهداشت و امنیت آشنیزخانه، بهداشت مواد غذایی و تکنیک‌های درست پخت غذا باشد؛ زمانی که یک آشنیز تکنیک و اصول پخت را بلد باشد دیگر نوع غذا مهم نیست. اگر می‌خواهیم سواد آشنیز را بسنجیم بهتر است از امتحان‌کنی پلو و خورش بیرون بیاوریم؛ چرا که اینگونه امتحانات هیچ ثمری ندارد؛ برای مثال در مورد غذای قورمه‌سبزی یک آشنیزی می‌خواهد قورمه‌سبزی را با گوشت زیاد بپزد و آشنیز دیگر آن را با لوبیا جیتی می‌پزد. همه اینها سلیقه است و نوشتن سؤالی در مورد میزان گوشت یا نوع لوبیای قورمه‌سبزی اشتباه است. اگر در یک شهر ۱۰ آشنیز قورمه‌سبزی بپزند هر کدام بو و طعم خاص خود را دارد و در نهایت همه قورمه‌سبزی هستند و چه‌سای همه خوشمزه. حال با این همه اختلاف‌نظر و سلیقه‌های مختلف چگونه می‌شود تا یک به سؤالات غیر اصولی که هیچ منبع درستی هم برای آن تعریف نشده آزمون گرفت؟ آیا حتی کتاب تألیفی در این زمینه وجود دارد تا همه به‌عنوان مرجع قبول داشته باشیم؟

سلیقه‌های مختلف در پخت و سرو غذا حتی تا جایی متفاوت است که برای مثال کاجی در شهری به‌عنوان دسر و در شهر دیگر به‌عنوان غذا سرو می‌شود. اگر چه در این زمینه کتاب‌هایی توسط سازمان فنی و حرفه‌ای از راه‌اندازی و فتادی چاپ شده اما متأسفانه سؤالات مطرح شده غیر اصولی بوده و نمی‌توان به پاسخ درستی رسید. از سوی دیگر اشتباهاتی نیز در فرایند برگزاری امتحان رخ می‌دهد؛ برای مثال با اوقات فراغت آشنیزی و فتادی چاپ آزمون آشنیزی شرکت می‌کند اما سؤالات امتحان در مورد کاجی شتاب بوده، یا در آزمون کاجی شتاب سؤالات مربوط به کباب مطرح شده است. بسیاری اوقات نیز آشنیز مربوط به همان مبحث باشد

با سخنانمانی که به سؤالات متصل است مربوط به رشته دیگر بوده است. بنابراین موضوع مهم در این زمینه این است که اگر می‌خواهیم سطح علمی آشنیزان را از تقادیمه‌های غیر اصولی نوع سؤالات تجدیدنظر و دقت کنیم. نکته مهم دیگر آن است که چیزی از برگزاری این آزمون‌ها عاید هنر جو نمی‌شود؛ شاید این شهه هم وجود داشته باشد که چه‌سای این آزمون‌ها صرفاً منبع درآمدی برای برگزار کنندگان باشند. هر چند که مخالف این آزمون‌ها نیستیم و اگر همه‌شده‌اند برگزار شود، حتماً اثر گذار خواهد بود. نمی‌توان با نوشتن قورمه‌سبزی درست از غنای پختن سلیقه‌های است و این فرق آشنیزهای مختلف در تمام دنیا است. پس می‌توان مهارت پخت‌وپز را با امتحان عملی درست سنجید نه اینکه کارآموز برای امتحان عملی ۷-۶ مدل غذای قبلا پخت شده را بچیند؛ این امر نیز از کاستی‌های آزمون عملی است. در مورد آزمون عملی نیز بارها اعلام کرده‌ام که فرایندها باید به‌گونه‌ای تعریف شود که به جای ۷ یا ۶ مدل غذا و شیرینی یک مدل در همان روز و محل امتحان پخته شود و هنر جو چاقو و وردنه به‌دست گیرد. همانطور که در کشورهای اروپایی وقتی فردی متقاضی کار در این زمینه باشد ابتدا چاقو به دستش می‌دهند تا مهارت وی را بسنجند. در نتیجه باید همواره به این نکته توجه کنیم که آموزش فقط در آزمون خلاصه نمی‌شود و هدف از آموزش یادگیری است، به‌ویژه برای سازمانی مانند فنی و حرفه‌ای که ادعای مهارت‌آموزی دارد و مدعی است که افراد را برای ورود به بازار کار آماده می‌کند. آموزش باید به‌گونه‌ای باشد که فرد پس از طی دوره به قدری مهارت کسب کند که بتواند در هر جای دنیا در رابطه با رشته آموزش دیده کار کند و صرف اینکه فرد دارای مدرکی خاص بدون مهارت است پذیرفته نیست.